

که واحدهای ارتش‌های مذکور که در جنوب رودخانه زرد بر ضد تجاوزکاران ژاپنی عمل میکردند در عرض مهلت مقرر به منطقه شمال رودخانه زرد بروند. در ۹ نوامبر رفقا جو ده، پون ده هوای، یه تین و سیان یین در تلگراف خود در جواب سه یین چینگ و بای چون سی اتهامات بسی‌پایه آنها را با اثکاء به واقعیات رد کردند و در عین حال با توجه بمصالح کشور رضایت دادند که ارتش‌های جنوب استان ان هوی به شمال اعزام شوند. هدف تلگراف مورخ ۸ دسامبر سه یین چینگ و بای چون سی که در جواب تلگراف مورخ ۹ نوامبر جو ده، پون ده هوای، یه تین و سیان یین مخابره شد این بود که "افکار عمومی" را بیش از پیش برای مبارزه با حزب کمونیست تجهیز کند.

۳ - اشاره است به خطوط محاصراتی در پیرامون منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا که بدست مرتجعان گومیندان ترتیب داده شد. گومیندانی‌ها از سال ۱۹۳۹ اهالی را بزور بکار واداشت و در پیرامون منطقه مرزی، پنج خط استحکامات کشیدند که شامل بود بر خندق‌ها، دیوارها و دژها که از چند استان میگذشت: از نین سیا در مغرب آغاز میشد، در طول رودخانه جین در جنوب به رودخانه زرد در مشرق میرسید. تعداد سپاهیان که منطقه مرزی را محاصره کرده بودند در آستانه حادثه ان هوی جنوبی به بیش از ۲۰۰ هزار تن افزایش داده شد.

۴ - کلمات کنفسیوس است از کتاب «لون یو». جی سون در عهد "بهار و پائیز" نویر مملکت لو بود. در آن زمان مملکت کوچکی وجود داشت بنام جوان سیو. جی سون در صدد لشگرکشی به مملکت جوان سیو برآمد. کنفسیوس را عقیده بر آن بود که ادبار جی سون از خارج نمی‌آید بلکه در همان مملکت لو نهفته است.

اوضاع پس از دفع دومین حمله خونین ضد کمونیستی

(۱۸ مارس ۱۹۴۱)

۱ - دومین حمله خونین ضد کمونیستی (۱) که با تلگراف حه بین چینگ و بای چون سی (مورخ ۱۹ اکتبر سال گذشته) آغاز شد ، با حادثه ان هوی جنوبی و فرمان چانکایشک مورخ ۱۷ ژانویه (۲) به بحبوحه خود رسید ؛ نطق ضد کمونیستی چانکایشک در ۶ مارس و قطعنامه ضد کمونیستی شورای سیاسی ملی (۳) را باید نبرد عقبه‌داران در این حمله خونین ضد کمونیستی بشمار آورد . ممکن است از این پس موقتاً تخفیفی در اوضاع حاصل شود . اینک که ما در آستانه تصادم قطعی میان دو بلوک بزرگ امپریالیستی جهانی هستیم ، آن بخش از بورژوازی بزرگ چین که هوادار انگلستان و آمریکاست و هنوز با تجاوزکاران ژاپنی مخالفت می‌ورزد ، ناگزیر در صدد خواهد بود که موقتاً از تشنج کنونی در مناسبات میان گومیندان و حزب کمونیست اندکی بکاهد . در عین حال وضع داخلی خود گومیندان (تضادهای

این دستور درون حزبی توسط رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نوشته شده است .

میان مقامات مرکزی و مقامات محلی ، میان گروه CC و گروه علوم سیاسی ، میان گروه CC و گروه فوسین ، میان سرسختان و عناصر بینابینی و تضادهای درونی گروه CC و گروه فوسین) ، وضع داخلی کشور (مخالفت توده‌های مردم با ستمگری گومیندان و علاقه آنها به حزب کمونیست) و سیاست حزب ما (که عبارتست از ادامه جنبش اعتراض) ، همه اینها به گومیندان اجازه نمیدهد که در مناسبات خود با حزب ما تشنج پنج ماه گذشته را حفظ کند . از اینجهت اندک تخفیف موقت در این تشنج برای چانکایشک امری ضروری است .

۲ - این مبارزه نشان‌دهنده تضعیف موضع گومیندان و تقویت موضع حزب کمونیست بوده و در ایجاد تغییراتی در تناسب قوای گومیندان و حزب کمونیست نقطه عطفی بشمار می‌آید . در چنین شرایطی چانکایشک ناچار شد که در موضع و روش خویش تجدید نظر کند . اکنون او با جتجال بر سر دفاع ملی و با اظهار اینکه دوران حزب‌پازی سپری شده‌است ، خود را "پیشوای ملت" و مافوق تضادهای داخلی کشور قلمداد میکند و چنان مینماید که گوئی نسبت به طبقات و احزاب بیطرف است و باین وسیله میخواهد سلطه مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ و گومیندان را نگهدارد . اما اگر بظاهرسازی اکتفا شود و هیچ تغییری در سیاست روی ندهد ، بدون تردید این کوشش چانکایشک محکوم به شکست خواهد بود .

۳ - سیاست گذشت که حزب ما بملاحظه مصالح عمومی (همانطور که تلگراف ۹ نوامبر سال گذشته حاکی از آنست) در آغاز این حمله خونین ضد کمونیستی اتخاذ کرد ، موجب جلب هواداری توده‌های وسیع خلق گردید و همچنین گذار ما به تعرض متقابل شدید که پس از حادثه آن هوی جنوبی روی داد (مطالبه اول و مطالبه دوم دوازده ماده‌ای ما (۴) ، اعتراض ما از شرکت در جلسه شورای سیاسی ملی و جنبش اعتراض به مقیاس سراسر

کشور) نیز مورد تأیید قاطبه مردم قرار گرفت. این سیاست که بر اصول حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن استوار است، برای دفع حمله خونین ضد کمونیستی اخیر کاملاً ضروری بود و هم اکنون ثمرات خود را بار آورده است. تا وقتی که نکات اصلی مورد اختلاف میان گومیندان و حزب کمونیست براه حل مناسبی نرسیده است، ما باید بدون کمترین فتوری بر ضد حادثه ان هوی جنوبی که برانگیخته هواداران ژاپن و ضد کمونیست در گومیندان بود، و بر ضد هر گونه فشار سیاسی و نظامی آنها بادامه جنبش اعتراض جدی پردازیم و در عین حال تبلیغات خود را در پیرامون نخستین مطالبه دوازده ماده‌ای خویش گسترش دهیم.

۴ - گومیندان هرگز در مناطق تحت سلطه خویش در سیاست اعمال فشار نسبت به حزب کمونیست و عناصر مترقی و در تبلیغات ضد کمونیستی کمترین تخفیفی نخواهد داد؛ از این جهت حزب ما باید بر هشیاری خود بیفزاید. گومیندان حملات خود را بر منطقه واقع در شمال رودخانه هوای، بر ان هوی شرقی و حوبه مرکزی دنبال خواهد کرد و ارتش ما باید این حملات را مصممانه دفع کند. کلیه مناطق پایگاهی باید رهنمود کمیته مرکزی ما مورخ ۲۵ دسامبر اخیر (۵) را قاطعانه بموقع اجرا گذارند، کار تعلیماتی مربوط به مسایل تاکتیک را در درون حزب نیرو بخشند و نظریات چپ‌روانه را اصلاح کنند تا آنکه ما بتوانیم برای مدت طولانی کلیه مناطق پایگاهی دموکراتیک ضد ژاپنی را محکم در دست خود نگهداریم. در سراسر کشور و در مناطق پایگاهی باید این ارزیابی نادرست وضع حاضر را که گویا جدائی قطعی میان گومیندان و حزب کمونیست هم اکنون روی داده و یا در شرف روی دادن است و همچنین نظریات اشتباه‌آمیز متعددی را که از آن ناشی میشود بدور افکند.

یادداشتها

۱ - برای توضیحات بیشتر در باره این حمله خونین ضد کمونیستی ، مراجعه شود به « تفسیری درباره یازدهمین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان و دومین جلسه سومین شورای سیاسی ملی » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد سوم .

۲ - منظور فرمان ضد انقلابی است که چانگکایشک در ۱۷ ژانویه ۱۹۴۱ بنام کمیته نظامی دولت ملی جهت انحلال ارتش چهارم جدید صادر کرد . مراجعه شود به بخش « اظهاریه » از « فرمان و اظهاریه درباره حادثه ان هوی جنوبی » .

۳ - در ۶ مارس ۱۹۴۱ چانگکایشک نطقی ضد کمونیستی در شورای سیاسی ملی ایراد کرد . وی داستان کهنه ضرورت « وحدت » « مقامات نظامی » و « مقامات اداری » را از سر گرفته و اظهار داشت که وجود قدرت دموکراتیک ضد ژاپنی در پشت جبهه دشمن قابل قبول نیست و نیروهای مسلح توده‌ای که تحت رهبری حزب کمونیست‌اند باید طبق « فرمان و نقشه » او « در نواحی مقرر متمرکز شوند » . همان روز « شورای سیاسی ملی » که در دست مرتجعان گومیندان بود ، قطعنامه‌ای تصویب کرد مبنی بر توجیه اقدامات جنایت کارانه ضد کمونیستی و ضد خلقی چانگکایشک و حاکی از حملات شدید بر اعضاء کمونیست شورا که بعنوان اعتراض نسبت به حادثه ان هوی جنوبی از حضور در جلسه خودداری ورزیده بودند .

۴ - مطالبه اول دوازده ماده‌ای که در ۱۵ فوریه ۱۹۴۱ بوسیله اعضاء کمونیست شورای سیاسی ملی بآن شورا تسلیم شد ، از لحاظ مضمون با دوازده ماده‌ای که در بخش « اظهاریه » از « فرمان و اظهاریه درباره حادثه ان هوی جنوبی » مطرح گردیده مطابقت داشت . مطالبه دوم دوازده ماده‌ای در ۲ مارس ۱۹۴۱ تدبیری موقتی بود که بوسیله اعضاء کمونیست شورای سیاسی ملی بعنوان شرط شرکت آنها در جلسات شورای مذکور به چانگکایشک تسلیم شد . متن آن بقرار زیر بود :

(۱) - قطع فوری حملات نظامی بر حزب کمونیست در سراسر کشور ؛

(۲) - پایان دادن فوری به تعقیبات سیاسی در سراسر کشور ، برسمیت

شناختن وضع قانونی حزب کمونیست چین و احزاب و گروههای دموکراتیک ، آزاد ساختن اعضاء آنها که در سی ان ، چون چینگ و گوی یان و سایر نقاط یازداشت شده‌اند ؛

(۳) - گشودن کتابفروشی‌هایی که در نقاط مختلف بسته شده‌اند ،

الفاه دستور مصادره مطبوعات ضد ژاپنی در پستخانه‌ها ؛

(۴) - قطع فوری هرگونه اعمال فشار نسبت به روزنامه «سین هوا ژیبائو» ؛

(۵) - برسمیت شناختن وضع قانونی منطقه مرزی شنسی - گان سو -

نین سیا ؛

(۶) - برسمیت شناختن قدرت سیاسی دموکراتیک ضد ژاپنی در پشت

جبهه دشمن ؛

(۷) - وضع موجود در مناطق پادگانهای نظامی در چین مرکزی ، در

شمال و در شمال غربی چین همچنان بدون تغییر حفظ شود ؛

(۸) - به حزب کمونیست چین اجازه داده شود که علاوه بر ارتش هجدهم

بتشکیل ارتش دیگری دست زند و مجموعاً شش سپاه در اختیار داشته باشد ؛

(۹) - آزاد ساختن کلیه کادرهایی که در حادثه ان هوی جنوبی دستگیر

شده‌اند و تهیه وجوه برای کمک به خانواده شهیدان این حادثه ؛

(۱۰) - آزاد ساختن کلیه افسران و سربازانی که در حادثه ان هوی جنوبی

دستگیر شده‌اند و باز گرداندن کلیه اسلحه آنها ؛

(۱۱) - تشکیل کمیته مشترکی از کلیه احزاب و گروههای سیاسی با

شرکت يك نماینده از هر کدام . نماینده گومیندان صدر کمیته و نماینده حزب

کمونیست معاون صدر خواهد بود ؛

(۱۲) - وارد کردن نمایندگان حزب کمونیست چین در هیئت رئیسه

شورای سیاسی ملی .

۵ - اشاره است به اثر «درباره سیاست» ، جلد حاضر .

ترازنامه درباره دفع دومین حمله خونین ضد کمونیستی

(۸ مه ۱۹۴۱)

همانطور که دستور کمیته مرکزی مورخ ۱۸ مارس اشاره میکند ، دومین حمله خونین ضد کمونیستی پایان پذیرفته است . آنچه که در تعاقب آن آمده ، ادامه جنگ مقاومت ضد ژاپنی در شرایط جدید بین‌المللی و داخلی است . عوامل جدیدی که در این شرایط بچشم میخورند ، عبارتند از : بسط جنگ امپریالیستی ، اعتلاء جنبش انقلابی بین‌المللی ، انعقاد قرار داد بیطرفی میان اتحاد شوروی و ژاپن (۱) ، شکست دومین حمله خونین ضد کمونیستی گویندگان و بالنتیجه تضعیف موضع سیاسی گویندگان و تقویت موضع سیاسی حزب کمونیست ، مضاف بر اینکه ژاپن در این اواخر دست در کار تدارك تعرض جدید و پردامنه‌ای بر ضد چین است . برای متحد ساختن خلق سراسر کشور جهت پایداری در جنگ مقاومت ضد ژاپنی و برای ادامه رفع مؤثر خطر تسلیم‌طلبی و جریانهای مخالف ضد کمونیستی مالکان ارضی بزرگ

این دستور درون حزبی توسط رفیق مائو سه دون بنام کمیته مرکزی حزب کمونیست چین نوشته شده است .

و بورژوازی بزرگ ، کاملاً ضروری است که درسهای مبارزه قهرمانانه و پیروزمندانه حزب ماترا علیه دومین حمله خونین ضد کمونیستی اخیر مطالعه کنیم و فراگیریم .

۱ - از دو تضاد مهم موجود در چین ، تضاد ملی چین و ژاپن کمافی السابق تضاد اصلی است ، در حالیکه تضاد بین طبقات داخلی چین همچنان تضاد تبعی باقی میماند . این واقعیت که دشمن ملت باعماق سرزمین ما رخنه کرده ، تعیین کننده همه چیزهاست . تا زمانیکه تضاد میان چین و ژاپن بحالت خود باقی بماند ، همه مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ حتی اگر به خیانت و تسلیم هم دست بزنند ، وضعیت سال ۱۹۲۷ بهیچوجه بوجود نخواهد آمد و حادثه ۱۲ آوریل (۲) و یا حادثه ۲۱ مه (۳) آنسال تکرار نخواهد شد . برخی از رفقا نخستین حمله خونین ضد کمونیستی (۴) را بمشابه حادثه ۲۱ مه دیگری و حمله خونین اخیر ضد کمونیستی را دوباره بمنزله تکرار حادثه ۱۲ آوریل و یا حادثه ۲۱ مه تلقی میکردند ؛ ولی واقعیت عینی ثابت کرد که این ارزیابی نادرست است . اشتباه این رفقا در اینستکه فراموش کرده‌اند که تضاد ملی تضاد اصلی است .

۲ - در چنین شرایطی مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ که طرفدار انگلستان و آمریکا هستند و تمام سیاست حکومت گومیندان را هدایت میکنند ، کمافی السابق طبقات دو خصمته‌اند که از یکسو خصم ژاپن‌اند و از سوی دیگر خصم حزب کمونیست و توده‌های وسیعی که این حزب نماینده آنهاست . همین دوگانگی را میتوان در مقاومت آنها علیه ژاپن و در مبارزه آنها با حزب کمونیست مشاهده کرد . آنها در زمینه مقاومت علیه ژاپن ، اگر چه خصم ژاپن‌اند ولی فعالانه بجنگ نمیپردازند و فعالانه به مبارزه با وان چین وی و سایر خائنین بملت دست نمی‌زنند و حتی گاهی با

فرستادگان صلح ژاپن هم مغازه میکنند؛ در زمینه مبارزه با حزب کمونیست، اگرچه علیه حزب کمونیست مبارزه میکنند و حتی گاهی تا آنجا پیش میروند که حادثه‌ای نظیر حادثه آن هوی جنوبی را برمیانگیزند و فرمان ۱۷ ژانویه را صادر مینمایند، معذک خواستار بریدن قطعی از حزب کمونیست نیستند و همچنین به سیاست "مشت و نوازش" ادامه میدهند. این واقعیات همه در جریان حمله خونین اخیر ضد کمونیستی بار دیگر تأیید شده‌اند. وضعیت سیاسی بسیار بغرنج چین اقتضا میکند که رفقای ما کاملاً مراقب باشند. از آنجا که مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ طرفدار انگلستان و آمریکا هنوز با مهاجمان ژاپنی مبارزه میکنند و نسبت به حزب ما هنوز سیاست "مشت و نوازش" را ادامه میدهند، سیاست حزب ما باید آنطور باشد که گفته‌اند "با دیگران آن کن که با تو میکنند" (۵) و باید "مشت" را با "مشت" و "نوازش" را با "نوازش" پاسخ گفت. چنین است سیاست انقلابی دوگانه. تا زمانیکه مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ بطور قطع خیانت نورزیده‌اند، این سیاست ما عوض نخواهد شد.

۳ - در مبارزه علیه سیاست ضد کمونیستی گویندگان، ما به سیستم کاملی مرکب از تاکتیکهای گوناگون نیازمندیم و بهیچوجه نباید در این امر اهمال و بی‌مبالاتی از خود نشان دهیم. کین‌توزی و درندگی مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ بنمایندگی چانکایشک نسبت به نیروهای انقلابی خلق نه تنها طی ده سال جنگ ضد کمونیستی باثبات رسیده بلکه در اثر دو حمله خونین ضد کمونیستی که طی جنگ مقاومت رخ داد و بویژه در اثر حادثه آن هوی جنوبی طی دومین حمله خونین ضد کمونیستی نیز بطور قطع تأیید شده‌است. اگر نیروهای انقلابی خلق نمیخواهند بدست چانکایشک نابود شوند و اگر میخواهند او را بقبول موجودیت خود وادارند، هیچ راه

دیگری ندارند جز آنکه سیاست ضد انقلابی گومیندان را با ضربه متقابل پاسخ گویند. شکست اپورتونیسیم رفیق سیان یین (۶) طی دومین حمله خونین ضد کمونیستی برای همه حزب باید بمنزله هشدارباشی جدی تلقی گردد. ولی مبارزه ما باید مبتنی بر اصول حق داشتن، سود جستن و اندازه نگهداشتن باشد. فقدان یکی از این سه اصل گران تمام خواهد شد.

۴ - در مبارزه با سرسختان گومیندان باید میان بورژوازی بزرگ کمپرادور و بورژوازی ملی که کمپرادور نیست و یا کمی کمپرادور شده است، فرق بگذاریم، و همچنین باید میان مرتجع ترین مالکان ارضی بزرگ از یکسو و متنفذین روشن بین و مالکان ارضی بطور اعم از سوی دیگر فرق بگذاریم. اینست پایه تشویک حزب ما برای جلب گروههای بینابینی و ایجاد ارگانهای قدرت سیاسی برحسب "سیستم سه ثلث"، و این از همان ماه مارس گذشته از طرف کمیته مرکزی چندین بار تأیید شده است. صحت این اصل بار دیگر در دومین حمله خونین ضد کمونیستی تأیید شد. موضعی که ما قبل از حادثه ان هوی جنوبی اتخاذ کردیم، همانطور که در تلگراف ۹ نوامبر (۷) آمده است، برای اینکه بتوانیم پس از این حادثه بتعرض متقابل سیاسی پردازیم کاملاً ضروری بود، چه در غیر اینصورت ما نمیتوانستیم گروههای بینابینی را جلب کنیم. زیرا این گروهها بدون تجربه اندوزی مکرر نمیتوانستند بفهمند که چرا حزب باید علیه سرسختان گومیندان با قطعیت مبارزه کند، چرا تحقق وحدت فقط از راه مبارزه میسر است، و چرا هیچ وحدتی با اعراض از مبارزه بدست نیاید. اگرچه سران گروههایی که در محل صاحب قدرتند، نیز از مالکان ارضی بزرگ و عناصر بورژوازی بزرگ هستند، باید آنها را هم بطور کلی بمنزله نیروهای بینابینی بشمار آورد زیرا میان آنها و مالکان ارضی بزرگ و عناصر بورژوازی بزرگ که بر قدرت

مرکزی نظارت دارند ، تضاد موجود است . بین سی شان که طی نخستین حمله خونین ضد کمونیستی با سرسختی علیه حزب کمونیست مبارزه میکرد ، این بار موضع بینابینی اختیار کرده است ؛ و دارودسته گوان سی که طی نخستین حمله خونین ضد کمونیستی موضع بینابینی داشت ، اگرچه این مرتبه به اردوگاه ضد کمونیستی پیوسته است ، ولی بین این دارودسته و دارودسته چانکاپشک کفافی السابق تضادهائی وجود دارد و نباید آندو را با یک چوب راند . این ملاحظات بطریق اولی در مورد سایر گروههائی که در محل صاحب قدرتند ، صدق میکند . ولی هنوز بسیاری از رفقای ما گروههای مختلف طبقه مالکان ارضی و گروههای مختلف بورژوازی را یکسان میدانند ، توگوئی که پس از حادثه ان هوی جنوبی تمام طبقه مالکان ارضی و تمام بورژوازی خیانت کرده اند . این هیچ چیز دیگری جز ساده کردن وضعیت سیاسی بغرنج چین نیست . اگر ما این نظر را بپذیریم و همه مالکان ارضی و بورژوازی را با سرسختان گویندگان همسنگ بدانیم ، خودمانرا منفرد خواهیم کرد . باید فهمید که جامعه چین جامعه ایست که "کرانه های کوچک و مرکز گسترده دارد" (۸) و اگر حزب کمونیست نتواند توده های طبقات بینابینی را بسوی خود جلب کند و بهمه آنها امکان دهد که برحسب وضعیت خود نقشی ایفا کنند ، نخواهد توانست مسایل چین را حل کند .

ه - از آنجا که برخی از رفقا درباره اینکه تضاد میان چین و ژاپن تضاد اصلی است ، بتدرید افتاده اند و بالنتیجه در ارزیابی مناسبات طبقاتی کشور دچار اشتباه شده اند ، گاهی درباره سیاست حزب نیز دستخوش تزلزل میشوند . این رفقا که حادثه ان هوی جنوبی را بمشابه تکرار حادثه ۱۲ آوریل و حادثه ۲۱ مه ارزیابی میکردند و همه چیز را بر اساس این ارزیابی مورد قضاوت قرار میدادند ، گوئی عقیده دارند که دستور اصولی کمیته مرکزی

مورخ ۲۵ دسامبر سال گذشته دیگر بقوت خود باقی نیست و یا لاقلاً تماماً بقوت خود باقی نیست. بعقیده آنها آنچه امروز برای ما لازم است، دیگر عبارت از قدرتی که شامل همه هواداران جنگ مقاومت ضد ژاپنی و دموکراسی باشد، نیست بلکه فقط باصطلاح قدرت کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهری است، و دیگر عبارت از سیاست جبهه متحد در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی نیست بلکه سیاست انقلاب ارضی است، شبیه همان سیاستی که طی دوران جنگ داخلی ده ساله عملی میشد. این رفقا لاقلاً موقتاً تصور روشن از سیاست صحیح حزب را از دست داده‌اند.

۶ - وقتیکه کمیته مرکزی حزب ما باین رفقا دستور داد که برای مقابله با قطع رابطه احتمالی گومیندان از ما، برای مقابله با تحول احتمالی حوادث بسوی بدترین حالت آماده باشند، آنها هرگونه احتمال دیگر را از دیده فرو گذاشتند. آنها در نمیابند که آمادگی برای بدترین حالت احتمالی کاملاً ضرور است ولی این بمعنای نفی حالت احتمالی خوب نیست؛ برعکس چنین آمادگی برای بدترین حالت احتمالی درست یک شرط ایجاد حالت احتمالی خوب و تبدیل آن به واقعیت است. این بار در اثر اینکه ما برای مقابله با قطع رابطه گومیندان کاملاً آماده بودیم، گومیندان جرأت نکرد که باسانی بقطع رابطه مبادرت ورزد.

۷ - عده بازهم بیشتری از رفقا وحدت مبارزه ملی و مبارزه طبقاتی را درک نمیکنند، سیاست جبهه متحد و سیاست طبقاتی را نمیفهمند و بالنتیجه وحدت میان تربیت منطبق با روح جبهه متحد و تربیت طبقاتی را در نمیابند. این رفقا برآنند که پس از حادثه ان هوی جنوبی باید بویژه بر روی باصطلاح تربیت طبقاتی که از تربیت منطبق با روح جبهه متحد جداست، تکیه کرد. آنها هنوز پی نبرده‌اند که حزب ما در تمام دوره

جنگ مقاومت ضد ژاپنی در مورد عناصر قشرهای فوقانی و متوسط جامعه که هنوز علیه تجاوزکاران ژاپنی مبارزه میکنند ، - خواه مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ و خواه عناصر طبقات بینابینی - سیاست واحدی بکار برده است ، سیاست جبهه متحد ملی (سیاست دوگانه) که متضمن وحدت و مبارزه است . این سیاست دوگانه را حزب ما حتی در مورد واحدهای ارتش پوشالی ، خائنین بملت و یا هواداران ژاپن نیز عملی ساخت ، باستثنای آنکسانی که با لجابی سرسخت از اصلاح خویشتن خودداری میورزند ، که علیه آنها باید سیاست سرکوب قطعی را بکار برد . کار تربیتی حزب ما در میان صفوف خود و در درون خلق نیز خصلتاً حاوی این دو جنبه است : از یکسو به پرولتاریا ، طبقه دهقان و سایر قشرهای خرده بورژوازی میآموزد که اتحاد با قشرهای مختلف بورژوازی و طبقه مالکان ارضی را بمنظور مقاومت ضد ژاپنی بشکلهای مختلف عملی سازند و از سوی دیگر بآنها یاد میدهد که برضد این قشرها بنسبت سازشکاری ، بی‌ثباتی و تکاپوی ضد کمونیستی آنها به مبارزه دست بزنند . سیاست جبهه متحد همان سیاست طبقاتی است و نمیتوان این دو سیاست را از هم جدا کرد . در نظر کسیکه این نکته را بخوبی درنیابد ، بسیاری از مسایل دیگر تاریک خواهد ماند .

۸ - برخی دیگر از رفقا درنمیابند که خصلت اجتماعی منطقه سرزی شنسی - گان سو - نین سیا و همچنین مناطق پایگاهی ضد ژاپنی در چین شمالی و مرکزی دموکراتیک نوین است . ملاک اینکه رژیم اجتماعی فلان منطقه خصلتاً دموکراتیک نوین است یا نه ، بطور عمده اینستکه آیا نمایندگان توده‌های وسیع خلق در ارگانهای قدرت سیاسی شرکت دارند یا نه و آیا رهبری این قدرت در دست حزب کمونیست است یا نه . پس قدرت سیاسی جبهه متحد تحت رهبری حزب کمونیست شاخص اساسی جامعه دموکراتیک

نوین است . برخی عقیده دارند که دموکراسی نوین را نمیتوان تحقق یافته دانست مگر در اثر انقلاب ارضی نظیر انقلابی که در دوره جنگ داخلی ده ساله صورت گرفت ، این خطاست . رژیم سیاسی کنونی در مناطق پایگاهی ، رژیم سیاسی جبهه متحد تمام مردمی است که هوادار مقاومت ضد ژاپنی و خواهان دموکراسی هستند . مشخصه اقتصاد مناطق پایگاهی اینستکه علی الاصول عوامل نیمه مستعمره و نیمه فئودالی برافزوده اند . فرهنگ مناطق پایگاهی فرهنگ ضد امپریالیستی و ضد فئودالی توده های وسیع خلق است . از اینجهت ، چه از لحاظ سیاسی و چه از لحاظ اقتصادی و یا فرهنگی ، خواه در مناطق پایگاهی ضد ژاپنی که در آنجا فقط به تقلیل بهره مالکانه و نرخ سود اقدام شده و خواه در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا که در آنجا انقلاب ارضی بنیادی صورت گرفته است ، جامعه دموکراتیک نوین وجود دارد . آنگاه که سرمایه کشور از روی نمونه مناطق پایگاهی ساخته شود ، چین بصورت جمهوری دموکراتیک نوین در خواهد آمد .

یادداشتها

۱ - این قرارداد بیطرفی که در ۱۳ آوریل ۱۹۴۱ از طرف اتحاد شوروی و ژاپن منعقد شد ، صلح را در مرز خاوری اتحاد شوروی تحکیم کرد ، دسیسه آلمان ، ایتالیا و ژاپن را که میخواستند مشترکاً بر اتحاد شوروی حمله ور شوند ، برهم زد ، و این نشانه موفقیت بزرگ سیاست خارجی صلحجویانه اتحاد شوروی است .

۲ - منظور کودتای ضد انقلابی چانکایشک در شانگهای در ۱۲ آوریل ۱۹۲۷ است که طی آن عده کثیری از کمونیستها ، کارگران ، دهقانان و روشنفکران انقلابی بقتل رسیدند . مراجعه شود به « گزارش درباره بررسی جنبش دهقانی خونان » ، یادداشت ۶ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .

- ۳ - رجوع شود به « مبارزه در کوهستان جین گان » ، یادداشت ۱۷ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد اول .
- ۴ - اشاره است به نخستین حمله خونین ضد کمونیستی که در زمستان ۱۹۳۹ بوسیله چانگکایشک برپا شد و تا بهار ۱۹۴۰ ادامه یافت . مراجعه شود به « اتحاد تمام نیروهای ضد ژاپنی و مبارزه علیه سرسختان ضد کمونیست » ، یادداشت ۱۰ ، جلد حاضر .
- ۵ - از سخنان جو سی در حاشیه‌ایکه بر فصل سیزدهم کتاب « دکترین میانه‌روی » نگاشته است .
- ۶ - مراجعه شود به یادداشت مقدماتی « نیروهای ضد ژاپنی را جسورانه گسترش دهیم ، حملات سرسختان ضد کمونیست را دفع کنیم » ، جلد حاضر .
- ۷ - اشاره است به تلگراف ۹ نوامبر ۱۹۴۰ که از طرف فرمانده کل ارتش هجدهم جوده و معاونش پون ده هوای و همچنین فرمانده ارتش چهارم جدید یه تین و معاونش سیان یین در جواب تلگراف چه یین چینگ و بای چون سی مورخ ۱۹ اکتبر مخابره شد . تلگراف ۹ نوامبر از توطئه ضد کمونیستی و تسلیم طلبانه مرتجعین گومیندان پرده برگرفت و پیشنهاد نامعقول چه یین چینگ و بای چون سی را دایر بر اینکه واحدهای ارتش چهارم جدید و ارتش هشتم از جنوب رودخانه زرد به شمال آن رودخانه بروند ، رد کرد . معذک با توجه به مصلحت عمومی بخاطر حفظ اتحاد و مبارزه ضد ژاپنی ، سازشکارانه موافقت کرد که واحدهای ارتش چهارم جدید مستقر در جنوب رودخانه یان تسه به شمال این رودخانه انتقال یابند . بعلاوه تلگراف مذکور طلب میکرد که مسایل مهم گوناگون مورد اختلاف گومیندان و حزب کمونیست حل شوند . این تلگراف موجب برانگیختن همدردی گروههای بینابینی و افراد چانگکایشک گردید .
- ۸ - رفیق مائو تسه دون میخواهد با این بیان بگوید که از یکطرف پرولتاریای صنعتی که انقلاب را رهبری میکند و از طرف دیگر مالکان ارضی بزرگ و بورژوازی بزرگ که مرتجعند ، در جامعه چین در اقلیتند . مراجعه شود به « سخنرانی در مجلس نمایندگان منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا » ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد سوم .

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

毛泽东选集

第二卷

*

外文出版社出版（北京）

1970年（32开）第一版

1975年第二次印刷

编号：（波斯）1050—1802

00220

1—Pe—888P